

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين بارئ الخلائق اجمعين، ثم الصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطاهرين، لاسيما بقيه الله فى الارضين ارواحنا فداه

[فقه معاصر / «بورس و بازارهای مالی» / جلسه ۳۳ (۱۹/۹/۱۴۰۴) استاد حسین بنیادی]

عنوان بحث: بخش دوم – فصل اول – اعتبار معاملات بازار بورس و بازارهای مالی

موضوع بحث امروز: تطبیق مالکیت اوراق سهام با اقسام مالکیت

مقدمه: در ادامه بررسی کیفیت مالکیت سهام شرکت‌ها، این بحث پیش می‌آید که مالک سهام بودن به چه معنایی است و منطبق با کدام قسم از اقسام ملکیت می‌باشد. در بحث امروز علاوه بر بررسی «تطبیق مالکیت اوراق سهام با اقسام مالکیت» به این سوال که مالکیت در سهام به سبب «بیع» است یا به سبب مشارکت که فرع بر مالکیت بر شیئی می‌باشد و نیز آیا حقیقت مالکیت بر سهام، «مالکیت بر اعیان» است یا «مالکیت بر منافع»

تعریف و انواع مالکیت شخصی

مالکیت شخصی شامل سه نوع مالکیت مانند «مالکیت مفروز» و «مشاع» و «مطلق» می‌باشد که در ادامه به تعریف هر کدام خواهیم پرداخت.

۱. مالکیت مفروز: مالکیت مفروز نوعی مالکیت مستقل است که از تفکیک املاک مشاع به وجود می‌آید. در این حالت، هر مالک دارای سهم مشخص و جداگانه‌ای از ملک مفروز است که امکان تصرف، نقل و انتقال، و بهره‌برداری را بدون نیاز به رضایت سایر مالکان فراهم می‌کند. همچنین امکان رهن ملک مفروز بدون هماهنگی با سایر مالکین وجود دارد.

ویژگی‌های ملک مفروز: ۱- مالکیت مستقل ۲- سند جداگانه ۳- عدم نیاز به تصمیم‌گیری مشترک ۴- امکان نقل و انتقال آسان‌تر

۲. **مالکیت مشاع:** یکی انواع مالکیت شخصی است که چند نفر به طور مشترک مالک یک ملک یا مال هستند، بدون اینکه سهم خاصی از آن به صورت مستقل در اختیار هر یک باشد. در این نوع مالکیت، هر شریک در تمامی بخش‌های ملک مشاع دارای حق است و نمی‌تواند بدون توافق سایر مالکان به طور انحصاری در قسمتی از ملک تصرف کند. این نوع مالکیت بیشتر در املاک ارثی یا املاک مشارکتی دیده می‌شود.

ویژگی‌های مالکیت مشاع:

۱- مالکیت مشترک ۲- سند مالکیت مشترک ۳- نیاز به افراز ۴- تصرف محدود

۳. **مالکیت مطلق:** مالکیت مطلق یکی دیگر از انواع مالکیت شخصی است که به فرد اجازه می‌دهد بدون هیچ محدودیت قانونی، در ملک خود تصرف کند، از آن بهره‌برداری نماید و آن را به دیگران بفروشد.

ویژگی‌های مالکیت مطلق:

۱- حق تصرف کامل ۲- حق انتقال بدون محدودیت ۳- عدم وابستگی به مالکین دیگر

تأثیر ماهیت سهام در معاملات بورسی و مالکیت آنها

در باب ماهیت سهام، اقوالی مطرح است، که قبلاً مورد بحث و بررسی قرار گرفت. آنچه مهم است مالکیت این سهام و نسبت آن با مالکیت آنها در تصحیح معاملات بورس بسیار مهم است. کثرت نظرات در باب ماهیت سهام، نشان می‌دهد علاوه بر اختلاف در این جهت، تأثیر زیادی بر ارائه نظر فقهی بر صحت یا بطلان، معاملات سهام دارد. برخی از نظرات در باب ماهیت سهام عبارتند از:

۱. عده‌ای، برای آنکه عین بودن مبیع را در بیع الزم می‌دانند، به منظور تصحیح بیع ورق سهام، به نظریه عین انگاری سهام روی آورده‌اند.

۲. برخی دیگر، با ثنایی تلقی کردن تقسیم حقوق مالی به «حق عینی» و «حق دینی» و سپس تضعیف حق عینی بودن ماهیت سهام، حق عینی را متعین دانسته‌اند.

۳. برخی معتقدند، ماهیت سهام، از مقوله‌ی حق است.

۴. برخی دیگر معتقدند مالکیت سهامدار نسبت به شرکت به نحو ملکیت مشاع اعتبار می‌گردد.

۵. برخی دیگر گفته‌اند، شرکت به عنوان شخصیت حقوقی مستقلی اعتبار می‌شود که خود مالک اموال است.

۶. برخی دیگر قائلند، سهامدارانی که در شرکتی سهم دارند، به نسبت سهم خود سهم در اموال بوده و شرکت به معنای فقهی در عین اموال دارند. این تشتت اقوال از ابهام در ماهیت سهام حکایت می‌کند.

از سوی دیگر، اکثر تلاش‌هایی که در راستای کشف ماهیت سهام صورت گرفته است در چارچوب حقوق موضوعه و ناظر به ماهیت معاملات سهام - و نه ماهیت سهام - می‌باشد.

تحقیقاتی نیز که درصدد واکاوی ابعاد مساله با رویکرد فقهی بوده‌اند، شرکت را مالی اعتباری معرفی نموده‌اند که هر سهم جزء مشاعی از آن محسوب می‌شود. در این نگاه، برای سهامداران شرکت‌های سهامی، ملکیت مشاع نسبت به شرکتی که خود مالک اموالی است، ثابت می‌شود. حال آنکه به نظر می‌رسد این احتمال مخالف مواجهه‌ی عقلا با سهام شرکت باشد. چرا که سهامداران به هیچ وجه خود را محق نسبت به اموال شرکت نمی‌دانند و این خود کاشف از این است که در دید عقلاء و عرف، سهام، سند ملکیت اموال شرکت و لو به نحو طولی نیست.

تفاوت مالکیت بر سهام شرکت‌ها با مشارکت در اعیان یا منافع

برخی میان «مالکیت بر سهام شرکت‌ها» و مشارکت در دارایی‌های شرکت‌ها، تفاوتی قائل نیستند یا لااقل در مقام بیان اینگونه برمی‌آید که بین این دو مقوله تفاوتی نیست، در حالیکه شراکت به معنای فقهی آن با مالکیت به معنای فقهی آن تفاوت دارد، هرچند با خرید سهام شرکت‌ها و مالکیت بر آنها نتیجه‌اش مالکیت به نحو مشاع می‌باشد و از این تعبیر به مشارکت نموده‌اند، چنانکه برخی مالکیت سهام را به مالکیت در منافع شرکت‌ها تعریف کرده‌اند. برای بررسی میان این دو، مختصری درباره شرکت و انواع آن، توضیح مختصری داده می‌شود.

شرکت غیر عقدی و شرکت عقدی

الف) شرکت غیر عقدی: شرکت غیر عقدی و یا شرکت مطلق همانطور که در ماده ۵۷۱ ق.م.آ آمده است: «عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحد به نحو اشاعه است». بنابر این تعریف هر ذره از ذرات مال مزبور، ملک مالکین مشاع می‌باشد. مال مشاع یا مشترک می‌تواند عین خارجی باشد، مانند خانه و باغ مشترک و همینطور می‌تواند منفعت باشد مانند منفعت خانه مورد اجاره که در اثر فوت مستاجر به ورثه

منتقل شده است، و یا حق باشد مانند حق خیار، حق شفعه و طلب که در نتیجه فوت مورث به ورثه منتقل شده است.

ب) شرکت عقدی: عقدی است بین دو یا چند نفر بر معامله نمودن به مالی که بین آنها مشترک می-باشد که گاهی به آن شرکت مدنی نیز می-گویند. اثر عقد مزبور آن است که هر یک از شرکا به نمایندگی از طرف دیگران می-توانند به وسیله کسب و معامله در مال -الشرکه تصرف نمایند. هر یک از شرکا مانند وکیل و عامل از طرف دیگران در امور شرکت عمل می-کنند مگر آن که شرکا قرارداد مخصوصی داشته باشند و اداره امور شرکت را به یک یا چند نفر واگذار کنند که در این صورت معلوم می-گردد شرکا اذن تصرف به عنوان نمایندگی را از دیگران سلب نموده-اند. شرکت عقدی یکی از عقود معینه است و باید کلیه شرائط اساسی برای صحت معامله را دارا باشند:

۱- قصد طرفین و رضای آنها ۲- اهلیت طرفین ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد ۴- مشروعیت جهت معامله

اقسام شرکت در فقه امامیه:

۱. **شرکت اعیان:** شرکتی است که دو یا چند نفر در اموال خواه نقد باشد یا جنس، قرارداد شرکت منعقد میکنند.

۲. **شرکت ابدان:** شرکتی است که دو یا چند نفر با یکدیگر قرار می-گذارند که هر کدام هر چه به وسیله عمل خود به دست آورد همگی در آن شریک باشند، خواه عمل آنان از یک نوع باشد مثلاً همگی خیاطی کنند و یا مختلف باشد مثلاً یکی نجاری کند و دیگری بنایی کند. شرکت ابدان باطل می-باشد زیرا مقدار کار افراد متساوی نیست. می-توان به وسیله عقد صلح نتیجه منظوره از شرکت ابدان را به دست آورد مثلاً خیاط یا بنا و یا نجار سهمی از منفعت خود را برای مدت معینی به دیگری در مقابل سهمی از منفعت او در همان مدت، صلح کند. در صلح مزبور مقصودی که از شرکت ابدان در نظر می-باشد به دست می-آید.

۳. **شرکت وجوه:** عبارت است از این که دو یا چند نفر که صاحب سرمایه نیستند با یکدیگر قرار می-گذارند که هر یک از اموالی را به اعتبار خود نسبه خریداری کنند و بفروشد و ربحتی که حاصل می-شود همگی در آن شریک باشند. این شرکت هم باطل است. ولی این افراد هم می-توانند به وسیله عقد وکالت نتیجه شرکت وجوه را به دست آورند، بدین صورت که هر یک دیگری را وکیل کند که هر چه می-خرد رفیق خود را در آن شریک کند یعنی آن را برای خود و رفیقش به نسبت معینی، نسبه خریداری کند در این صورت آن چه نسبه خریده شده متعلق به هر دو می-باشد و در سود و زیان به همان نسبتی که به شرکت خریداری کرده از نصف یا ثلث یا ربع و امثال آن شریک خواهند بود.

۴. **شرکت مفاوضه:** شرکتی است که دو یا چند نفر با یکدیگر قرار بگذارند که هر نفع و فائده -ای که به هر یک از آنها رسید اعم از تجارت، زراعت، کسب، ارث، وصیت و امثال آن همگی در آن سهیم باشند. این شرکت هم باطل است.

نتیجه بحث:

به نظر می‌رسد مالکیت بر سهام - چه سهام را نماینگر مالکیت بر اموال عینی شرکت‌ها بدانیم و چه مالکیت بر اموال اعتباری شرکت‌ها - از نوع مالکیت مشاع می‌باشد و پس از مالک شدن سهام، در منافع شرکت، شریک می‌شود و در این جهت فرقی نمی‌کند که در شرکت امتزاج اموال را شرط بدانیم چنانکه اکثر قائلند یا شرط ندانیم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین